

مسئولیت مدنی سرپرستان در قبال اعمال زیان‌آور کودکان (بررسی تطبیقی و تحلیلی)

سیدحسین صفایی*

مرضیه آفضلی مهر**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۶

چکیده

مسئولیت سرپرستان قانونی یا قراردادی صغار برای جبران خسارت ناشی از اعمال زیان‌بار ایشان که در حقوق ایران، بر اساس ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مبتنی بر تقصیر سرپرست در نگاه‌داری و مواظبت از صغیر است، در حقوق اکثر کشورها یا مسئولیت محض است که شرط برقراری آن، ارتکاب فعل زیان‌بار از سوی صغیر می‌باشد، و یا مسئولیتی مبتنی بر فرض تقصیر است که در هر حال سرپرست مسئول جبران خسارت است، مگر این‌که عدم تقصیر خود را بتواند ثابت کند. همچنین در کشورهایی که حقوق مسئولیت مدنی مبتنی بر انصاف است، مسئولیت والدین به همراه خود صغیر یک مسئولیت تضامنی است. این رویکرد در جهت تضمین پرداخت خسارت و بلاجبران نماندن زیان ناروایی است که از سوی صغار به دیگران وارد می‌شود، در حالی که در حقوق ایران در قوانین و آرای قضایی شاهد رویه‌ی ثابتی راجع به مبنا و حدود مسئولیت صغیر و سرپرستان او نیستیم، لذا به نظر می‌رسد اصلاح ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی به نحوی که مسئولیت سرپرستان صغیر مبتنی بر فرض تقصیر باشد، امری ضروری است. در این صورت مسئول اصلی جبران خسارت ناشی از اعمال زیان‌آور کودک، سرپرستان قانونی یا قراردادی اوست، مگر این‌که ایشان عدم قصور در تربیت و نگاه‌داری از کودک را ثابت نمایند.

کلیدواژگان: مسئولیت مدنی، سرپرستان صغیر، ضمان قهری، تقصیر، مسئولیت محض.

* استاد بازنشسته دانشکده حقوق دانشگاه تهران و استاد دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول).

HSafaii@ut.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم، مدرس دانشگاه امام صادق(ع)، واحد خواران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

مقدمه

در حقوق مسئولیت مدنی، مسئولیت سرپرستان صغار، مسأله‌ای حائز اهمیت است؛ چراکه صغیر به دلیل وضعیت خاص خود نیاز به مراقبت و نگاه‌داری دارد و هر شخصی که وظیفه‌ی مراقبت از صغیر را به عهده دارد، از لحاظ قانونی مکلف به جبران زیان‌های وارده از سوی فرد تحت مراقبتش می‌باشد.

در حقوق اکثر کشورها متن قانونی خاصی به موضوع مسئولیت سرپرستان صغیر در قبال اعمال زیان‌بار ایشان، اختصاص داده شده است و همچنین در برخی از کشورها، رویه‌ی قضایی در این خصوص تحولات زیادی را به وجود آورده است. حقوق ایران گرچه مسئولیت خود صغیر را صراحتاً در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی به رسمیت شناخته است، و در رأی وحدت رویه‌ی شماره ۲ به تاریخ ۱۳۶۰/۱/۲۹، هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز ضمان ناشی از عمل زیان‌بار صغیر را به عهده‌ی خود او واگذاشته و ولی او را از جبران خسارت معاف دانسته است؛ اما با تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹، موضوع مسئولیت سرپرستان قانونی و قراردادی صغار در ماده ۷ این قانون مطرح گردیده که مسئولیتی مبتنی بر تقصیر لازم‌الاثبات است. از طرف دیگر قانون‌گذار ایران در تبصره ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۱۳۹۲ در خصوص ضمان ناشی از سقوط دیوار یا بنایی که متعلق به صغیر یا مجنون باشد، صرفاً ولی او را به عنوان ضامن خسارت معرفی کرده و به مسئولیت خود صغیر اشاره‌ای نکرده است.

با توجه به این تشتت مقررات و رویه‌های قضایی در حقوق ایران، لازم دیده شد در این مقاله علاوه بر مطالعه‌ی تطبیقی رویه‌ی حقوقی حاضر در کشورهای مختلف، در زمینه‌ی مبنا و حدود مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان کودکان، به تحلیل رویکرد قانون و رویه‌ی قضایی ایران در خصوص این مسئولیت پرداخته و نقاط قوت و ضعف آن مشخص شود.

برای تعیین دقیق ماهیت و حدود این مسئولیت، بایست به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: نخست این‌که چه کسانی قانوناً عهده‌دار وظیفه‌ی نظارت و سرپرستی صغار هستند و به دیگر سخن کسانی را که حضانت طفل به عهده‌ی آن‌ها است معرفی نماییم. دوم این‌که مبنا، شرایط و احکام مسئولیت مدنی والدین در برابر افعال زیان‌بار فرزندان چیست.

به این منظور لازم است ابتدا مبنای مسئولیت والدین در قبال اعمال زیان‌بار کودکان را بررسی نماییم، سپس به این پرسش پاسخ دهیم که شرایط مسئول شناخته شدن صغیر کدام است؛ آیا صرف انجام یک فعل زیان‌بار از سوی صغیر موجب ضمان والدین او خواهد شد؟ یا این که اثبات تقصیر صغیر نیز برای برقراری مسئولیت والدین لازم است؟

و در آخر، آیا امکان مراجعه‌ی هم‌زمان زیان‌دیده به والدین و صغیر، همچنین امکان رجوع والدین به صغیر در فرض جبران خسارت از سوی ایشان وجود دارد؟

در بخش سوم با این پرسش مواجه هستیم که مینا و حدود مسئولیت مدنی دیگر سرپرستان صغیر به خصوص معلمان و مدیران مدارس برای اعمال زیان‌باری که شاگردان در هنگام حضورشان در مدرسه مرتکب می‌شوند کدام است؟

۱- کسانی که عهده‌دار وظیفه‌ی نظارت و سرپرستی کودکان هستند و حدود وظایف آن‌ها

سه فرض در خصوص افرادی که وظیفه‌ی سرپرستی کودک را به عهده دارند می‌تواند مطرح شود: الف) تنها والدین به مفهوم قانونی؛ ب) اشخاصی که وظیفه‌ی حضانت و نگهداری طفل را دارند؛ ج) اشخاصی که با فرزند زندگی می‌کنند.

هیچ کشوری مسئولیت در برابر اعمال فرزندان را به شرط والدین بودن به مفهوم قانونی آن، محدود نمی‌کند؛ برعکس وظیفه‌ی نظارت و سرپرستی فرزند در اکثر کشورها از شرط «داشتن حضانت کودک» بر می‌آید. حضانت کودک به موجب قواعد حقوق خانواده تعیین می‌شود که معمولاً وظیفه‌ی والدین است؛ اگرچه حضانت تنها به والدین مربوط نمی‌شود و اشخاص دیگری مانند قیم‌ها یا مؤسسات عمومی یا خصوصی نیز ممکن است به جای والدین، سرپرستی و حضانت طفل را به عهده داشته باشند.

در اکثر کشورها از جمله آلمان، استرالیا، بلژیک، ایتالیا، هلند، پرتغال، جمهوری چک، اسپانیا و سوئد حضانت در ابتدا به والدین به مفهوم قانونی آن واگذار می‌شود؛ بنابر این آن‌ها در میان دیگر وظایفشان، وظیفه‌ی نظارت و نگهداری طفل را نیز به عهده دارند. این مسئولیت مبتنی بر اختیار حضانت است که پدر و مادر مشترکاً نسبت به کودکشان اعمال می‌کنند؛ طبعاً به همین دلیل

است که آن‌ها متضامناً باید پاسخ‌گوی زیان‌های ناشی از عمل فرزندان خود باشند. انگلستان و ولز هنوز مشخص نکرده‌اند که آیا حضانت به خودی‌خود وظیفه‌ی نظارت و سرپرستی را به دنبال دارد یا این که حضانت تنها یک فرض مسئولیت در موقعیتی خاص است که می‌تواند چنین اثری داشته باشد.^۱

در حقوق فرانسه تا قبل از سال ۱۹۹۷ حضانت طفل، یک شرط کافی برای مسئولیت والدین نبود؛ چرا که شرط «با هم زندگی کردن والدین و کودک» نیز مطابق بند ۴ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه لازم بود. این شرط پیش از آن که تقصیر از شرایط مسئولیت پدر و مادر حذف شود و این مسئولیت تبدیل به مسئولیت محض شود، مورد انتقاد حقوق‌دانان فرانسه بود؛ زیرا اگرچه شرط هم‌زیستی، فرض تقصیر والدین در مراقبت از کودک را - که رویه‌ی قضایی مسئولیت والدین را مبتنی بر آن می‌دانست - توجیه می‌کرد اما با فرض تقصیر در تربیت، ناسازگار بود؛ چه تربیت نامناسب با عدم هم‌زیستی والدین با کودک قابل جمع می‌باشد. لذا از سال ۱۹۹۷ مجموعه‌ای از آرای محاکم این شرط را اصلاح کردند و مقرر داشتند که مفهوم «با هم زندگی کردن» از عبارت «اقامت قانونی فرزند در اقامتگاه هر دو والدین یا یکی از آن‌ها» برمی‌آید. بنابر این در صورت غیبت‌های کوتاه‌مدت چندساعته، چندروزه و یا چندهفته، مانند حضور در مدرسه، مسافرت کودک یا سپرده شدن او به آموزشگاه‌های شبانه‌روزی، شرط هم‌زیستی تحقق یافته تلقی می‌شود.^۲

در حقوق کشورهای آلمان و فرانسه در صورت طلاق یا جدایی والدین، هم‌زیستی با یکی از آنان که کودک با او زندگی می‌کند، به هنگام ملاقات یکی دیگر از والدین یا حضور موقت کودک در نزد وی، از بین نخواهد رفت. بنابر این هرگاه فرزند در زمان ملاقات یکی از والدین با او، مرتکب خسارت شود، تنها پدر یا مادری که دارای حق حضانت است به موجب بند ۴ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه مسئول است. اما پدر یا مادری که حق ملاقات کودک را اعمال می‌کند، تنها به موجب قواعد عمومی مسئولیت مدنی مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ مسئول خواهد بود.^۳

^۱ The European Centre of Tort & Insurance Law, Tort and Insurance Law: "Children in Tort Law": Springer-Verlag/Wien: printed in Germany. 2006, p. 445.

^۲ Ibid.

^۳ ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۸۵، صص ۱۶۷- European Center of Tort, op. cit., pp. 166, 445-446.

در برخی دیگر از کشورها، جدایی یا طلاق والدین هیچ تأثیری در اختصاص دادن حضانت و اعمال تکالیف والدینی ندارد. به عنوان مثال در استرالیا، اصلاحیه قانون نسب در سال ۲۰۰۱ حضانت مشترک را مادامی که والدین بر آن توافق نمایند، مقرر می‌دارد. در بلژیک به موجب بندهای ۲ و ۴ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی، مسئولیت تنها مبتنی بر شرط قانونی والدین بودن است؛ حضانت داشتن و شرایطی که والدین جدا از هم زندگی می‌کنند یا طلاق گرفته‌اند، تأثیری در استقرار وظیفه‌ی نگاه‌داری و مواظبت از فرزندشان نمی‌گذارد؛ زیرا صرف این که عنوان والدین را دارند، برای مسئول شناختن ایشان کافی است، بلکه شرط حضانت تنها می‌تواند بر ارزیابی قاضی در این امر که آیا والدین نسبت به فرزندشان به طور کافی نظارت و مراقبت داشته‌اند، تأثیرگذار باشد.^۱

نکته دیگر آن که در حقوق برخی کشورها مانند آلمان، جمهوری چک و ژاپن به موجب قانون یا رویه‌ی قضایی برای اشخاصی که عملاً وظیفه‌ی نظارت را اعمال می‌کنند، مثل ناپدری یا نامادری نیز همان مسئولیت پدر و مادر شناخته شده است.^۲

در حقوق ایران تعهد به نگاه‌داری یا مواظبت محجور، به موجب بند اول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی از شرایط مسئولیت والدین است که نگاه‌داری در این ماده به معنی خاص حقوقی که از آن به حضانت هم تعبیر می‌شود، به کار رفته است. این نگاه‌داری در درجه‌ی اول حق و تکلیف پدر و مادر است که شرایط و احکام آن در مواد ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی و مواد ۱۲ تا ۱۴ قانون حمایت خانواده مقرر شده است.^۳ اما حکم این ماده علاوه بر والدین، درباره تمام کسانی که بر اساس قانون - مانند وصی و قیم - یا بر اساس قرارداد و عرف به نگاه‌داری و مواظبت از محجور مکلفند، اجرا می‌شود.^۴

نکته قابل ملاحظه‌ی دیگر آن که مسئولیت پدر و مادر نسبت به جبران خسارت ناشی از کوتاهی در اعمال تکلیف حضانت، یک مسئولیت تضامنی نیست بلکه مسئولیت آن‌ها که مشترکاً عهده‌دار حضانت طفل هستند و به علت تقصیر مشترک آن‌ها زیانی از سوی محجور به دیگری وارد می‌شود، یک مسئولیت مشترک است و دادرس باید به نسبت تأثیری که تقصیر هر یک از آنان در

^۱ Ibid., pp. 446-447.

^۲ Tunc. Andre. International Encyclopedia of Comparative Law; V. XI. Torts. Chapter 3. by: Jean- Pierre le Gall. London. 1983. p. 11.

^۳ صفایی، سیدحسین، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۵، ص ۲۴۱.

^۴ همان، ص ۲۴۲.

ایراد خسارت داشته است، سهم او را در پرداخت خسارت مشخص نماید؛ زیرا مسئولیت تضامنی در حقوق ما خلاف اصل است و نیاز به نص قانونی دارد.^۱

نکته دیگر این که هم‌زیستی والدین با فرزند در تحقق مسئولیت پیش‌بینی شده در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی شرط نمی‌باشد. به عبارت دیگر چون ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، مسئولیت سرپرست صغیر را مبتنی بر تقصیر لازم‌الاثبات سرپرست می‌داند، هنگامی که زیان دیده بتواند رابطه‌ی سببیت بین ضرر را با تقصیر یکی از والدین یا هر دوی آن‌ها اثبات نماید، پدر یا مادر یا هر دوی آن‌ها - اعم از این که طفل با هر دوی آن‌ها یا با یکی از آن‌ها زندگی کند و حضانت طفل بر اثر طلاق تنها به یکی از آن دو واگذار شده باشد، یا این که پدر یا مادری که تنها حق ملاقات طفل را داشته و خسارت در زمان ملاقات او از سوی طفل وارد آمده - مسئولیت جبران خسارت را به عهده دارد.

نکته آخر آن که در کشورهای بلژیک، جمهوری چک، فرانسه، ایتالیا، پرتغال، روسیه و اسپانیا، مسئولیت والدین در قبال اعمال فرزندانشان به عهده‌ی هر دوی آن‌هاست، بدون ملاحظه‌ی این که آن‌ها رسماً ازدواج کرده باشند یا خیر. اما در کشورهای آلمان، استرالیا، هلند و سوئد، حقوق و تکالیف والدینی را در این فرض تنها به عهده‌ی مادر می‌گذارند. هر چند والدین طبیعی طفل می‌توانند حضانت مشترک بر فرزند را با ازدواج متعاقب خود برقرار کنند یا مادر می‌تواند به پدر اجازه‌ی سپیم شدن در حقوق و تکالیف ناشی از حضانت خود را بدهد. دادگاه نیز باید این توافق را به رسمیت بشناسد، مگر زمانی که این امر را برای رفاه کودک مضر تشخیص بدهد.^۲

در حقوق ایران، هر چند به موجب ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی، طفل متولد از زنا به زانی ملحق نمی‌شود، اما مطابق رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور به شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۱۳ که یکی از مستندات آن مسأله ۳ و مسأله ۴۷ موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی است، زانی پدر عرفی طفل محسوب می‌شود و به‌جز توارث، کلیه‌ی تکالیف پدر و مادر طبیعی در مورد فرزند نامشروع، همانند تکالیف پدر و مادر قانونی طفل مشروع است. با توجه به این که رأی وحدت رویه مانند قانون برای دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است، چنان‌چه این اطفال به دیگری ضرری وارد

^۱ همان؛ درودیان، حسنعلی، «مسئولیت ناشی از فعل اشخاصی که تحت مراقبت و مواظبت دیگری هستند»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۶، ۱۳۷۶، ص ۲۴۰.

^۲ European centre of tort, op. cit., p. 446.

کنند، با اثبات تقصیر پدر و مادر طبیعی در نگاه‌داری و مواظبت از طفل، ایشان به موجب ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت می‌باشند.^۱

۲- مبنا، شرایط و احکام مسئولیت مدنی والدین در قبال اعمال زیان‌بار کودکانشان

از آن‌جا که وظیفه‌ی نگاه‌داری و تربیت کودک به طور معمول بر عهده‌ی والدین است، تخلف از این تکلیف موجب مسئولیت ایشان در برابر کسانی است که از بی‌احتیاطی و کاهلی والدین زیان می‌بینند. در این فصل به بررسی تطبیقی مبانی مسئولیت والدین، تعیین اشخاصی که از لحاظ قانونی مسئولیت نگاه‌داری طفل را به عهده دارند، شرایط مسئول شناخته شدن صغیر و امکان رجوع مسئولان به یکدیگر می‌پردازیم.

۱-۲- مبانی مسئولیت والدین برای جبران خسارت ناشی از عمل فرزند

در کشورهای مختلف مبانی متفاوتی برای مسئولیت والدین نسبت به اعمال زیان‌بار فرزندان در نظر گرفته شده است. دو مدل کلی در این خصوص وجود دارد که هر کدام از این دو مدل، خود به دو بخش تقسیم می‌شود. در مدل اول مبانی مسئولیت والدین تقصیر است و بار اثبات تقصیر به عهده‌ی زیان‌دیده است. در این حالت مبانی مسئولیت والدین را مسئولیت مبتنی بر تقصیر می‌نامند. اما در حالت دوم تقصیر والدین در نگاه‌داری و تربیت فرزندانشان مفروض است و بار اثبات عدم قصور در این زمینه به عهده‌ی والدین می‌باشد. این مبنا را مسئولیت مبتنی بر فرض تقصیر والدین می‌نامند. در مدل دوم مبنا، مسئولیت ناشی از فعل غیر و مسئولیت محض والدین است. هنگامی که مبنا مسئولیت ناشی از فعل غیر باشد، والدین به طور نوعی مسئول اعمال خلاف قانون فرزندانشان هستند اما اگر مسئولیت والدین بر مبانی مسئولیت محض باشد، والدین مسئول نوعی هر عمل فرزندانشان هستند که منجر به ورود ضرر به دیگران شود، ولو عمل فرزند

^۱ حسین‌آبادی، امیر، «بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۲۰، ۱۳۸۵، صص ۱۰، و ۱۱-۱۰.

خلاف قانون هم نباشد، اما به صرف زیان آور بودن برای والدین ضمان آور است و تنها استثنای این مسئولیت، دفاع فورس ماژور است.^۱ در این جا به این چهار مبنا اشاره می‌نماییم:

الف) مسئولیت محض والدین:

مسئولیت محض به عنوان رژیم عمومی مسئولیت والدین نسبت به اعمال زیان بار صغار در کشورهای لوئیزیانا و ماداگاسکار به موجب مقررات قانونی به رسمیت شناخته شده است.^۲ و در اروپا رویه‌ی قضایی فرانسه سیستم حقوقی مبتنی بر رژیم مسئولیت مبتنی بر فرض تقصیر والدین را تکامل بخشیده است.

هنگامی که بند ۴ ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه در سال ۱۸۰۴ تصویب شد این هدف را دنبال می‌کرد که سیستمی را پایه‌گذاری کند که در آن والدین با فرض تقصیرشان که قابل رد نیز می‌باشد، مسئول باشند. بنابر این والدین می‌توانستند با اثبات این که آن‌ها مراقبت لازم را به عمل آورده‌اند، از این مسئولیت مبرا شوند. اما در سال ۱۹۹۷ رأی برترند^۳ صادره از شعبه دوم مدنی دیوان تمیز فرانسه، مبنای سیستم مسئولیت محض والدین را بنا نهاد. وی بیان داشت: «تنها قوه قاهره یا تقصیر انحصاری زیان دیده می‌تواند پدر و مادر را از مسئولیت محضی که در نتیجه‌ی خسارت وارده از سوی فرزند صغیرشان که با آن‌ها زندگی می‌کند، ایجاد شده است بری کند». این تحول شگرف در مسئولیت پدر و مادر، در نتیجه‌ی تجدیدنظر دیوان عالی کشور در مبنا و نظام این مسئولیت بوده است. رأی مذکور مسئولیت نوعی پدر و مادر، که همان مسئولیت محض است، را رسماً تأیید کرد. بنابر این مسئولیت ایشان از لحاظ نوعی بودن، در کنار مسئولیت کارفرمایان ناشی از اعمال کارگزارانشان قرار می‌گیرد.

در کشور هلند نیز والدین تنها تا زمانی که فرزندشان به سن ۱۴ سالگی نرسیده است، در قبال اعمال زیان آور آن‌ها مسئولیت محض دارند.^۴

^۱. Giliker, Paula, Vicarious Liability in tort, A Comparative Perspective, Cambridge University Press, First published, 2010, p. 205.

^۲. Tunc, op. cit., p. 16.

^۳. Arret Bertran

^۴. ژوردن، پاتریس، تحلیل رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق: مجید ادیب، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۶، صص ۳۲۱-۳۲۰.

The European Centre of Tort & Insurance Law, op. cit., p. 446.

مفهوم مسئولیت محض اشاره به این معنا دارد که والدین دیگر نمی‌توانند با اثبات این که مراقبت کامل را در مورد فرزندانشان به عمل آورده‌اند، از مسئولیت رهایی یابند، بلکه تنها با اثبات قوه قاهره یا تقصیر انحصاری زیان دیده^۱ - که خود نوعی قوه قاهره است و به این معناست که زیان دیده تنها مقصر در بروز زیان است، مانند عبور عابر پیاده از آزادراه به جای گذر از پل عابر پیاده که در این صورت اگر راننده با عابر برخورد کند هیچ مسئولیتی متوجه راننده نخواهد بود - به عنوان دفاع می‌توانند از مسئولیت بری شوند.

از جمله مزایای برقراری مسئولیت محض این است که زمینه‌ای برای پیشگیری از خسارت، فراهم می‌شود؛ یعنی والدین که به طور نوعی مسئول جبران خسارت شناخته می‌شوند، علاوه بر این که بیشتر به مراقبت و کنترل اعمال فرزندانشان اهمیت می‌دهند، رغبت بیشتری در تضمین جبران خسارات احتمالی وارده از سوی فرزندان خود به اشخاص ثالث، از طریق بیمه کردن مسئولیت خود خواهند داشت. از سوی دیگر به نظر می‌رسد ایجاد این تحول در نظام مسئولیت والدین در قبال اعمال زیان بار فرزندان، در راستای حمایت بیشتر از زیان دیده است و از میان مبانی مختلف مسئولیت مدنی، بیشتر از همه به نظریه‌ی تضمین حق نزدیک است؛ زیرا بر اساس این مبنا آن چه اهمیت دارد این است که ضرر نامشروعی جبران نشده باقی نماند و چون در اکثر موارد این والدین هستند که از توان مالی خوبی برای جبران خسارت وارده برخوردارند و همچنین می‌توانند با پیش‌بینی ورود خسارت از سوی فرزندانشان، پرداخت خسارت را از طریق بیمه مسئولیت تضمین نمایند، مسئولیت محض ایشان جبران کامل خسارت زیان دیده را تضمین می‌نماید.

در مورد این مسأله که ویژگی‌های گریزناپذیری (عدم قابلیت اجتناب) و پیش‌بینی‌ناپذیری قوه قاهره باید نسبت به چه کسی ارزیابی شود، پاسخ نویسندگان حقوقی فرانسه آن است که قوه قاهره نه تنها نسبت به کودک که عامل مستقیم زیان است باید ارزیابی شود، یعنی نه تنها رابطه‌ی سببیتی که باید میان فعل کودک و ضرر وجود داشته باشد، قطع شود، بلکه باید قوه قاهره را

۱. ماده ۵۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، حکم این مسأله را چنین مقرر داشته است: «در کلیه موارد مذکور در این فصل هرگاه جنایت منحصرأ مستند به عمد و یا تقصیر مجنی علیه باشد ضمان ثابت نیست».

نسبت به رفتار خود والدین نیز مدنظر قرار داد؛ به عبارت دیگر قوه قاهره معاف کننده رویدادی است که کودک یا پدر و مادر نتوانسته‌اند از آن جلوگیری کنند.^۱

ب) مسئولیت ناشی از فعل غیر

در حقوق اسپانیا در موارد خاصی، مسئولیت ناشی از فعل غیر^۲ به موجب قانون مسئولیت کیفری صغار مقرر شده است؛ بر طبق ماده ۶۱ این قانون والدین با فرزندان بیشتر از ۱۴ سال و کم‌تر از ۱۸ سال خود، مسئولیت مشترک دارند. این مقرر مصداق کامل مسئولیت ناشی از فعل غیر است، چراکه شرط مسئولیت والدین این است که فرزندشان مسئولیت شخصی داشته و مقصر باشد. در این نوع مسئولیت تنها بررسی می‌شود که آیا فرزند می‌تواند از لحاظ جزایی مسئول شناخته شود؟ اما وجود تقصیر از ناحیه والدین لازم نیست.^۳

این مورد از کامل‌ترین انواع مسئولیت ناشی از فعل غیر است؛ همانند مسئولیت کارفرما در قبال اعمال زیان‌آور کارگزارش که با وجود مسئولیت شخصی برای کارگران، کارفرما صرف‌نظر از ارتکاب یا عدم ارتکاب تقصیر، مسئول فعل غیر می‌باشد و باید خسارت را جبران نماید. همین‌طور والدین با وجود مسئولیت شخصی خود صغیر ممیز مسئول شناخته می‌شوند، در حالی که وجود یا عدم تقصیر والدین هیچ تأثیری در مسئولیت ایشان نخواهد داشت.

تفاوت این مبنا با مسئولیت محض والدین این است که در این‌جا اثبات تقصیر فرزند آن‌هم از نوع شخصی، شرط مسئولیت والدین است، حال آن‌که در مسئولیت نوعی، والدین مسئول اعمال زیان‌بار فرزندان خود هستند، هرچند این اعمال غیرقانونی نبوده و موجب مسئولیت نوعی فرزند نیز نباشد.

در حقوق اکثر ایالت‌های آمریکا، مطابق مقررات قانونی، مسئولیت والدین حداقل نسبت به آن اعمال تخلف‌آمیزی که فرزندان صغیرشان عامدانه مرتکب می‌شوند، شناخته شده است. در ایالت‌هایی که قانون در این خصوص قلمرو وسیعی دارد، والدین مسئول اعمال زیان‌آور ارتکاب یافته از سوی فرزندان‌شان هستند بدون این‌که نیازی به توصیف ماهیت این اعمال یا تعیین میزان خسارت وجود داشته باشد. اما بیشتر ایالت‌ها قوانینی با قلمروی مضیق‌تر دارند؛ مثلاً مسئولیت

^۱. ژوردن، پیشین، ص ۳۲۲.

^۲. Vicarious Liability

^۳. Giliker, op. cit., pp. 210-211.

والدین را نسبت به تقصیر سبک یا معمولی فرزند به رسمیت نمی‌شناسند و والدین صرفاً نسبت به عمل تخلف‌آمیز عامدانه‌ی فرزندشان که منجر به ورود خسارت به شخص یا مال دیگری می‌شود مسئول هستند. گاهی هم در قوانین موضوعه‌ی برخی از ایالت‌های آمریکا مسئولیت والدین تنها به میزان معینی خسارت محدود می‌شود؛ به عنوان مثال قانون ایالت کالیفرنیا مقرر داشته است: «هر عمل تخلف‌آمیز عامدانه‌ی صغیر که منجر به صدمه یا مرگ شخص دیگر یا ورود خسارت به اموال وی شود، منسوب به والدین یا قیم صغیر که حضانت و نظارت بر طفل را به عهده دارد، است و ایشان به همراه صغیر متضامناً مسئول جبران خسارت ناشی از اعمال تخلف‌آمیز عامدانه‌ی صغیر هستند که البته مسئولیت سرپرست صغیر برای جبران خسارت نباید متجاوز از بیست‌وپنج هزار دلار باشد»^۱.

ملاحظه می‌شود که در قوانین موضوعه‌ی ایالات متحده آمریکا مسئولیت والدین و قیم صغیر یک مسئولیت ناشی از فعل غیر است که تنها نیاز به اثبات تقصیر یا عامدانه بودن فعل عامل ورود زیان دارد، اما اثبات تقصیر یا وجود فرض تقصیر برای سرپرست صغیر لازم نیست. البته لازم به ذکر است که این قوانین موضوعه مربوط به مسئولیت والدین ناشی از فعل غیر، به طور کلی نظام عام مسئولیت مدنی کامن‌لا را تکمیل می‌کند و در برخی از این مقررات به صراحت بیان شده که قوانین مربوط به مسئولیت والدین جایگزین دعوی مستقل مسئولیت مدنی علیه والدین با اثبات تقصیر شخصی ایشان نخواهد شد. دومین شرح جدید حقوق ایالات متحده آمریکا^۲ در جلد مربوط به مسئولیت مدنی درباره‌ی نظام عام مسئولیت مبتنی بر تقصیر لازم‌الاثبات والدین چنین مقرر داشته است:

^۱ Ibid.

^۲ Second Restatement of the Law

چاپ این مجموعه که کار یک انجمن خصوصی به نام مؤسسه‌ی حقوقی آمریکا است، در سال ۱۹۵۲ آغاز شد. منظور از شرح جدید این است که در موضوعاتی که در صلاحیت ایالت‌ها بوده و دخالت قانون‌گذار در آن چندان زیاد نبوده است، براساس آرای دادگاه‌ها، راه‌حلی را که بیشترین هماهنگی را با نظام کامن‌لای آمریکایی دارند و در نتیجه سزاواری پذیرش از سوی دادگاه‌های آمریکایی دارند، به شیوه‌ای تا سرحد امکان دقیق شرح دهند. رجوع شود به: داوید، رنه؛ اسپینوزی، کامی ژوفره، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه و تلخیص: سیدحسین صفایی، چاپ دوم، نشر دادگستر، ۱۳۸۷، صص ۲۷۸-۲۷۹.

«والدین وظیفه‌ی انجام مراقبت متعارف برای کنترل اعمال فرزند صغیرشان را دارند و بایست وی را از این‌که عامدانه به دیگران خسارت وارد کند یا این‌که رفتار فرزندشان حتی به طور غیرعمدی باعث ایجاد خطر غیرمتعارف در ورود صدمه‌ی بدنی به دیگران شود، باز دارند، اگر والدین: الف) آگاه باشند یا به طور متعارف می‌بایست آگاه باشند که توانایی نظارت بر فرزند خود را دارند؛ ب) و بر ضرورت یا فرصت اعمال چنین کنترلی آگاه بوده یا می‌بایست آگاه باشند».

بنابراین مقررات عام مندرج در مجموعه حقوقی تنها در جایی اعمال می‌شود که هم توانایی و هم فرصت نظارت بر فرزند وجود داشته باشد.^۱

ج) مسئولیت مبتنی بر تقصیر مفروض والدین

مسئولیت مبتنی بر فرض یا اماره‌ی تقصیر رایج‌ترین قاعده‌ای است که در کشورهای بلژیک، جمهوری چک، آلمان، ایتالیا، هلند (برای فرزندان بین ۱۴ تا ۱۶ سال)، پرتغال، روسیه، اسپانیا، ژاپن و یونان وجود دارد.^۲ به عنوان نمونه در حقوق آلمان، ماده ۸۳۲ قانون مدنی، به عنوان استثنائی بر قواعد عمومی، مقرر می‌دارد زیان دیده صرفاً لازم است اثبات کند ضرر تحمیل شده در نتیجه‌ی تخلف فرزند بوده است و با اثبات این امر، اماره‌ی قابل ردی مبنی بر تجاوز سرپرست از وظیفه‌ی نظارت و سرپرستی صغیر برقرار می‌شود و همچنین فرض می‌شود که یک ارتباط سببی بین این تجاوز از وظیفه‌ی سرپرستی و نظارت و خسارت وارده از سوی صغیر وجود دارد.^۳

در قانون مدنی ایتالیا والدین نه‌تنها به خاطر تقصیر در انجام وظیفه‌ی سرپرستی و نظارت بر فرزندان‌شان می‌توانند مسئول قلمداد شوند، بلکه حتی به خاطر عدم تربیت صحیح وی نیز مسئول هستند. در هر دو مورد هم یک اماره قابل رد وجود دارد.

به همین صورت رویه‌ی قضایی پایدار پرتغال بر آن است که وظیفه‌ی سرپرستی شامل وظیفه‌ی تربیت کردن فرزند و وظیفه‌ی نهادینه کردن الگوها و قواعد تعلیم و تربیت ارائه شده به صغیر نیز می‌شود. البته این رویه توسط اساتید حقوق این کشور به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است؛

¹ Glenn Beh Hazel Article : "Tort Liability for Intentional Acts of Family Members", Hein online, Vol. 68:1, 2000-2001, at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?Abstract_id=271443. pp. 3-6; Andrews Rhonda V. Magee Article: "The Justice of Parental Accountability", Temple Law Revi, Vol .75, No. 3, Fall 2000, pp. 398-399.

² Tunc, op. cit., p. 16; European Centre of Tort, op. cit., p. 445.

³ Markesinis, Basils S., Unbrath, Hannes, The German Law of Torts, A Comparative Treatise, Forth edition, Hart Publishing, Oregon, 2002, p. 710.

چراکه ماده ۴۹۱ قانون مدنی پرتغال تنها وظیفه‌ی نظارت و سرپرستی را خاطر نشان کرده است و همچنین به این دلیل که امکان رد اماره‌ی تقصیر در تربیت صحیح بسیار دشوار است. در اسپانیا و روسیه با وجود ظاهر قانون که مسئولیت والدین را مسئولیتی مبتنی بر فرض تقصیر می‌داند، در عمل دادگاه‌ها در هر موردی نمی‌پذیرند که والدین بتوانند با اثبات این‌که مراقبت کامل را انجام داده‌اند، از مسئولیت بری شوند.^۱

قواعد مشابه قاعده‌ی موجود در حقوق اسپانیا، توسط بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین اتخاذ شده است که البته اجرای این قواعد تا حدودی متفاوت است؛ به عنوان مثال در مکزیک سرپرست برای رهایی از مسئولیت بایست اثبات کند که نمی‌توانسته از ورود ضرر توسط فرزند جلوگیری کند. به علاوه چنانچه عمل تخلف‌آمیز در زمان غیبت سرپرست رخ داده باشد، اثبات اعمال نظارت کافی از سوی سرپرست بر اعمال فرزند برای بری شدن از مسئولیت امری ضروری است.^۲

در نظام کامن‌لای انگلو-کانادایی^۳ نیز والدین بر اثر تقصیر در وظیفه‌ی مراقبت نسبت به اعمال فرزندانشان، در مقابل زیان‌دیده مسئول جبران خسارت هستند؛ چرا که ضرر به سبب تقصیر ایشان در نظارت و کنترل اعمال فرزندانشان به‌بار می‌آید. این نظام حقوقی در مورد زیان‌های مدنی به جای فرض مسئولیت، بیشتر به فرض تقصیر متمایل است. زیان‌دیده می‌تواند علیه والدین اقامه‌ی دعوا نماید، بدون این‌که بار اثبات تقصیر والدین در هدایت و نظارت بر اعمال فرزندانشان به عهده‌ی زیان‌دیده باشد. این رویکردی است که توسط ماده ۱۴۵۹ قانون مدنی کبک اتخاذ شده است. مبنای این فرض تقصیر آن است که اگر والدین مراقب و مواظب اعمال فرزندانشان بودند، فرزند به دیگران ضرر وارد نمی‌کرد. اگر والدین اثبات کنند که هیچ تقصیری در رابطه با وظیفه‌ی حضانت، نظارت یا تربیت فرزند مرتکب نشده‌اند، می‌توانند از مسئولیت مبری شوند. نظم عمومی در قالب قوانین آمره در برخی ایالت‌های کانادا از جمله قانون مسئولیت والدین بریتیش کلمبیا مصوب ۲۰۰۱، مانیتوبا مصوب ۱۹۹۶، نیوفاندلند مصوب ۱۹۹۰ و قانون خانواده لابرادور مصوب ۱۹۹۰، مسئولیت مبتنی بر فرض تقصیر را برای والدین مقرر داشته است. قانون

^۱. European Centre of Tort, op. cit., p. 443.

^۲. Tune, op. cit., p. 18.

^۳. Anglo-Canadian

مسئولیت والدین ایالت آنتاریو مصوب ۲۰۰۰، قاعده‌ی سنتی موجود در کامن‌لا را در مورد اثبات تقصیر والدین، اصلاح کرد و به موجب ماده ۱۰ آن قانون فرض تقصیر والدین در قبال اعمال زیان‌آور فرزندان‌شان که باعث خسارت جانی یا مالی می‌شوند را به رسمیت شناخت.^۱ در حقوق کشورهای عربی نظیر مصر، سوریه و لیبی نیز مسئولیت سرپرست مبتنی بر فرض تقصیر است.^۲

د) مسئولیت مبتنی بر تقصیر والدین (رژیم عام مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر)

این نوع مسئولیت در هلند در مورد فرزندان بین ۱۶ تا ۱۸ سال وجود دارد؛ چراکه هیچ مقرره‌ی خاصی برای مسئولیت والدین در این خصوص وجود ندارد و والدین تنها زمانی مسئول شناخته می‌شوند که همه‌ی شرایط مسئولیت جمع باشد. کشورهای استرالیا، سوئد، انگلستان و ولز، آفریقای جنوبی و سریلانکا که قواعد مندرج در رویه‌ی قضایی انگلستان را اقتباس کرده‌اند، این رژیم عام مسئولیت را پذیرفته‌اند. در حقوق این کشورها هیچ معیار خاصی برای تحمیل مسئولیت والدین به خاطر اعمال زیان‌بار فرزندان‌شان وجود ندارد و لذا مسئولیت آن‌ها تنها با اثبات تقصیر شخصی ایشان در نقض وظیفه‌ی انجام مواظبت متعارف از فرزند، حاصل می‌شود و زیان‌دیده بار اثبات این تقصیر را به عهده دارد.^۳

در حقوق انگلستان اگرچه مسئولیت والدین در قبال اعمال زیان‌آور فرزندان‌شان، مسئولیتی مبتنی بر تقصیر لازم‌الاثبات است و معمولاً زیان‌دیده موفق به اثبات مسئولیت والدین نمی‌شود، اما جالب است که در موارد متعددی دادگاه‌های این کشور به مسئولیت معلمان و مسئولان مدارس در خصوص اعمال زیان‌بار صغیر که در زمان حضور در مدرسه ارتکاب یافته باشد، رأی داده‌اند و مسئولیت سرپرستان قراردادی کودکان در حقوق این کشور برخلاف مسئولیت والدین بر مبنای مسئولیت ناشی از فعل غیر استوار است. دادگاه‌های انگلستان تنها در موارد خاصی حکم به مسئولیت والدین برای جبران خسارت ناشی از اعمال زیان‌بار فرزندان صادر می‌کنند؛ مانند

^۱. Neyers, Jasson, Chamberlain, Erika, Pitel, Stephen, Emerging Issues in Tort Law, Hart Publishing, Oxford & Portland, Oregon, 2007, pp. 76-78.

^۲. سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسيط فی شرح القانون المدني الجديد، نظريه الالتزام بوجه عام، جلد اول، بيروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۲، ص ۹۹۳.

^۳. Heuston R.F.V., Salmond on the Law of Tort, London, Sweet & Maxwell Limited, 1961, p. 470; op.cit. «European Centre of Tort, op. cit., p. 443.

موردی که والدین کودک به او اجازه‌ی ارتکاب آن عمل زیان‌بار را داده‌اند یا او را به انجام آن عمل امر کرده‌اند.^۱

در حقوق اسلامی نیز در اصل هیچ‌گونه دعوایی علیه سرپرست صغیر و مجنون پذیرفته نیست؛ چراکه در این نظام حقوقی ضمان خود صغیر و مجنون در هنگام ایراد خسارت به رسمیت شناخته شده است. پدر تنها زمانی مسئول است که خسارت در نتیجه‌ی امر وی به فرزند یا در نتیجه‌ی اجبار کردن فرزند در ورود خسارت محقق شود که از باب سبب اقوی از مباشر رابطه‌ی سببیت بین عمل پدر و خسارت وجود دارد.

در حقوق ایران نیز مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان قانونی یا قراردادی مجبورین مبتنی بر تقصیر لازم‌الاثبات است؛ چراکه قسمت اول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر داشته است: «کسی که به حکم قانون یا قرارداد، نگاه‌داری و مواظبت صغیر و مجنون را به عهده دارد، چنان چه مرتکب تقصیر شود و در انجام وظیفه‌ی خود کوتاهی کند، مسئول شناخته می‌شود...». به نظر اساتید حقوق ایران مسئولیت سرپرستان صغیر و مجنون که در نگاه‌داری و مواظبت وی تقصیر کرده‌اند، مطابق قاعده‌ی مسئولیت شخصی است؛ زیرا در عرف رابطه‌ی سببیت بین تقصیر سرپرست مجنون و صغیر در عدم مواظبت و نگاه‌داری آنان با زیان وارده، قوی‌تر از اقدام خود مجبور است و در چنین مواردی باید مسبب را مسئول شناخت. به عبارت دیگر سبب اقوی از مباشر است.^۲ نکته‌ی مهم در خصوص مفهوم نگاه‌داری و مواظبت که در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی آمده است، این که بنا بر نظر عده‌ای از حقوق‌دانان، مواظبت به سرپرستی معنوی و هدایت کودک و تعلیم و تربیت وی گفته می‌شود^۳ و به نظر عده‌ای دیگر نگاه‌داری در این ماده به معنی خاص حقوقی که از آن به حضانت هم تعبیر می‌شود (مستفاد از مواد ۱۱۶۸ الی ۱۱۷۸ قانون مدنی)، به کار رفته است. لذا نگاه‌داری شامل تربیت طفل هم می‌شود. در ضمن کودکی که

^۱ Giliker, op. cit., pp. 204, 210.

^۲ صفایی، سیدحسین، رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد) سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۹۲؛ کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷؛ امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، جلد اول، نشر اسلامی، چاپ بیستم، ۱۳۷۸، ص ۳۹۰؛ قاسم‌زاده، سیدمرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲.

^۳ کاتوزیان، پیشین، ص ۵۵۸.

درست تربیت نشده باشد، در نگاه‌داری و مواظبت از او کوتاهی صورت گرفته و اگر به دیگران خسارت وارد کند، سرپرست به دلیل تقصیر در نگاه‌داری مسئول است.^۱

اگرچه از لحاظ نظری می‌توان پذیرفت که تقصیر در تربیت نیز سبب ضمان است ولی در عمل، چون اثبات تقصیر سرپرست به عهده‌ی زیان‌دیده است، به سختی می‌توان رابطه‌ی سببیت بین نقص تربیت و زیان را اثبات کرد، مگر این‌که رویه‌ی قضایی وجود تقصیر والدین در نگاه‌داری و مواظبت از فرزندشان را مفروض بداند که در این صورت ایشان تنها با اثبات انجام مراقبت و نظارت کامل بر رفتار فرزند و تربیت صحیح وی از مسئولیت بری خواهند شد.

لازم به ذکر است اگرچه مطابق رأی وحدت رویه شماره ۲ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ضمان ناشی از عمل زیان‌بار صغیر به عهده‌ی خود اوست و والدین وی مسئولیتی در جبران خسارت ناشی از فعل زیان‌بار فرزندشان ندارند، اما قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۹۲ در تبصره ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص ضمان ناشی از سقوط دیوار یا بنایی که متعلق به صغیر یا مجنون باشد، صرفاً ولیّ او را به عنوان ضامن خسارت معرفی کرده و به مسئولیت خود صغیر اشاره‌ای نکرده است. البته به نظر می‌رسد که حکم ماده مذکور، حکمی خاص است که صرفاً در مورد جبران خسارت ناشی از سقوط دیوار یا بنای متعلق به صغیر و مجنون می‌باشد و دلالت آن در مورد ترک فعل زیان‌بار والدین یا دیگر سرپرستان صغیر و مجنون است که عهده‌دار وظیفه‌ی تعمیر بنا یا دیوار متعلق به کودک تحت سرپرستیشان است، لذا مسئول ندانستن صغیر یا مجنون به دلیل این‌که رابطه‌ی سببیت در این مورد، بین ضرر با ترک فعل شخص سرپرست ثابت است، حکمی قابل توجیه است.

بنابر این هم‌چنان حکم مسئولیت سرپرستان صغار در حقوق ایران بر مبنای تقصیر لازم‌الاثبات باقی است.

^۱. صفایی، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، پیشین، ص ۲۴۱؛ صفایی، و رحیمی، پیشین، ص ۲۵۴؛ درودیان، پیشین، ص ۳۳؛ حسین‌آبادی، پیشین، ص ۱۰.

۲-۲- شرایط مسئولیت مدنی والدین در قبال اعمال زیان آور صغار

در حقوق برخی کشورها بین فرزندان که مسئولیت شخصی ندارند و فرزندان دارای مسئولیت شخصی، تمایز قائل می‌شوند.

در کشور هلند در مورد صغار تا سن ۱۴ سالگی، یعنی صغاری که فاقد مسئولیت مدنی هستند، تنها لازم است که آنان یک عمل زیان آور مرتکب شده باشند تا این که والدین آنان به طور محض مسئول شناخته شوند. برعکس، صغاری که بین ۱۴ تا ۱۶ سال سن دارند، یعنی دارای مسئولیت مدنی قهری هستند، تنها کافی نیست که صغیر یک فعل تخلف‌آمیز را مرتکب شده باشد، بلکه همچنین لازم است که او مقصر باشد. در این مورد مسئولیت والدین مبتنی بر فرض تقصیر است و اگر آن‌ها در ردّ این فرض موفق شوند، می‌توانند از مسئولیت ناشی از فعل غیر بری شوند.^۱

در ایتالیا، بلژیک، پرتغال و اسپانیا برای مسئولیت والدین در قبال اعمال صغاری که مسئولیت شخصی متوجه آن‌ها نیست (صغیر غیرممیز) لازم است آن‌ها به گونه‌ای رفتار نمایند که اگر آن رفتار از شخص ممیزی سر می‌زد، رفتاری قابل سرزنش و مسئولیت‌آفرین بود. برعکس برای مسئولیت والدین در قبال صغاری که مسئولیت قهری دارند (صغیر ممیز) لازم است صغیر به صورتی مرتکب عمل زیان آور شود که همه‌ی عناصر مسئولیت مدنی، از جمله تقصیر صغیر؛ یعنی ارتکاب یک فعل نامشروع و قابل سرزنش از سوی او، احراز شود.^۲

در حقوق آلمان نیز این تمایز بین صغیر ممیز و صغیر غیرممیز وجود دارد و برای تقصیر، مفهومی عینی در نظر گرفته‌اند، اما ممکن است طبق تفسیر لفظی ماده ۸۳۳ قانون مدنی آلمان که مقرر داشته است: «عمل فرد تحت سرپرستی هنگامی برای سرپرست ایجاد مسئولیت می‌کند که به طور عینی غیرقانونی باشد»، والدین مسئول اعمالی باشند که حتی متعارف‌ترین و بااحتیاط‌ترین بزرگسالان نیز در اجتناب از ارتکاب آن موفق نخواهند بود؛ در نتیجه‌ی دکترین حقوقی و رویه‌ی قضایی آلمان یک حدّ غایی برای این مقررره قائل شده است و آن مواردی را که خسارت ایجاد

^۱. European Centre of Tort, op. cit., pp. 449-450.

^۲. Ibid.

شده از ناحیه‌ی صغیر اگر از سوی یک بزرگسال متعارف ارتکاب یابد، به عنوان تقصیر توصیف نمی‌شود، از مسئولیت والدین خارج کرده‌اند.^۱

در انگلستان و ولز این مسأله که آیا والدین، نه فرزند، مرتکب فعل نامشروع زیان‌آور شده‌اند یا خیر، مسأله اصلی است. در واقع عنصر لازم برای تحقق مسئولیت والدین، نقض وظیفه‌ی والدین در انجام مواظبت متعارف و نظارت بر کودک و ضرر ناشی از آن نقض می‌باشد. اما برای فرزند شخصاً ضروری نیست که عملی را انجام دهد که عناصر مسئولیت مدنی یا یکی از آن‌ها را محقق نماید.

تعداد اندکی از کشورها معتقدند که رفتار یک کودک لازم نیست که هیچ‌یک از عناصری را که برای تحقق مسئولیت مدنی لازم است، داشته باشد؛ مثلاً در استرالیا این که فعل صغیر یک عمل نامشروع زیان‌آور قابل تعقیب را ایجاد می‌کند یا خیر مهم نیست، بلکه فعل صغیر تنها باید موجب ایراد خسارت شده باشد و لازم نیست که این فعل همراه با تقصیر یا عملی تخلف‌آمیز باشد.^۲

در فرانسه از مدت‌ها قبل، تقصیر به مفهوم شخصی در نظر گرفته نمی‌شود. در مورد صغیر ممیز که به آن چه انجام می‌دهد آگاهی دارد، الزام به وجود تقصیر شخصی بدون اشکال است و در گذشته رویه‌ی قضایی فرانسه همواره وجود چنین تقصیری را لازم می‌دانست، ولی در مورد اطفال غیرممیز که به آن چه می‌کنند توجهی ندارند، رویه‌ی قضایی تنها با احراز این که طفل، عملی مرتکب گردیده که به طور نوعی و عینی نامشروع است، والدین آن‌ها را مسئول می‌شناخت، اما از سال ۲۰۰۱ دیوان عالی کشور تحولی در شرط مسئولیت والدین در قبال اعمال کودکان ایجاد کرد؛ یعنی مسئولیت کودک از شرایط مسئولیت والدین حذف شده است. بنابر این دیوان کشور فرانسه، یادآوری می‌کند صرف یک فعل زیان‌بار کودک، هر چند که غیرقانونی نباشد و موجب مسئولیت برای او نشود، کفایت می‌کند. بنابر این تحول، پدر و مادر به عنوان دارنده‌ی اختیارات والدینی، ضامن خسارت‌های ناشی از فعالیت کودکانشان هستند و دیگر مسئولیت آن‌ها

^۱. Basil, op. cit., p. 710.

^۲. Tunc, op. cit., pp. 15-16.

غیرمستقیم نیست، بلکه فعل زیان بار کودک صرفاً یک عنصری است که قهراً موجب مسئولیت پدر و مادر می شود^۱.

در ایران برخی حقوق دانان در پاسخ به این پرسش که آیا برای تحقق مسئولیت سرپرست صغیر یا مجنون لازم است که خود محجور مرتکب تقصیر شده باشد، یا صرف انتساب فعل زیان بار به کودک یا دیوانه کافی است؟ معتقدند بر مبنای قواعد عمومی، سرپرست محجور از جمله والدین وی در صورتی ضامن خسارت ناشی از فعل آنها هستند که برطبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی، بتوان کودک و دیوانه را مسئول شمرد؛ خواه این مسئولیت منوط به داشتن تقصیر باشد یا مانند اتلاف یا داشتن وسیله نقلیه موتوری بدون تقصیر ایجاد شود. به نظر ایشان صغیر غیرممیز و مجنون را زمانی می توان مسئول شمرد که عمل زیان آور او ذاتاً و نوعاً قابل سرزنش و نامشروع باشد. در واقع نمی توان محجور را به خاطر عملی که نوعاً نامتعارف و قابل سرزنش نیست، به صرف انتساب فعل زیان بار به وی، مسئول شناخت، در حالی که شخص کبیر و عاقل بدون این که قانوناً مواخذه شود، می تواند آن را انجام دهد. بنابر این مسئولیت محجور غیرممیز در حقوق ایران مبتنی بر تقصیر نوعی است^۲.

۳-۲- رابطه بین دعوای خسارت علیه والدین و دعوای خسارت علیه فرزند و امکان رجوع آنها به یکدیگر

در اکثر کشورهای اروپای قاره ای، رابطه ی بین دعوای خسارت علیه والدین و دعوای خسارت علیه فرزند به این بستگی دارد که آیا فرزند یک صغیر ممیز است که قابلیت انتساب مسئولیت قانونی به وی وجود دارد، یا این که صغیر غیرممیزی است که مسئولیت شخصی ندارد. هنگامی که صغیر غیرممیز است، مسئول شناخته نمی شود، به جز در آن نظام هایی که مسئولیت بر اساس انصاف مقرر شده است. در این نظام ها بر مبنای انصاف، و با این فرض که گاهی والدین توان

^۱ لوراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۶۹؛ ژوردن، تحلیل رویه قضائی در زمینه مسئولیت مدنی، پیشین، صص ۳۲۵-۳۲۶.

^۲ کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، دوره دوجلدی، جلد اول انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص ۵۵۸؛ صفایی، و رحیمی، ص ۳۹۸؛ امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد اول، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۳۰۸؛ قاسم زاده، پیشین، ص ۱۵۱.

جبران خسارت را ندارند، اقامه‌ی دعوا علیه صغیر غیرممیز مکمل طرح دعوا علیه والدین وی خواهد بود.

در کشورهای سوئیس، استرالیا، آلمان، ایتالیا، پرتغال، روسیه و بلژیک این امکان وجود دارد؛ به عنوان مثال در حقوق آلمان چنین مقرر شده است که اگر سرپرستی که مسئول جبران خسارت است معسر باشد و نتواند خسارت را جبران نماید، مسئولیت فرزند غیرممیز مطابق با قواعد انصاف قابل استقرار است. در این مورد استثنائاً متخلف صغیر به همراه سرپرست وی متضامناً مسئول هستند.^۱

هنگامی که صغیر ممیز بوده و قابلیت انتساب مسئولیت را دارد، اکثر کشورهای اروپای قاره‌ای مسئولیت خود صغیر را می‌پذیرند. در این مورد، اگر والدین به خاطر نقض وظیفه‌شان در نظارت و سرپرستی صغیر مسئول شناخته شوند، یک مسئولیت تضامنی بین صغیر و والدین وی برقرار می‌شود. در فرانسه از سال ۱۹۸۴ دیوان عالی این کشور فرزندان را صرف‌نظر از قابلیت انتساب مسئولیت، مسئول اعمال زیان‌بار خویش دانسته است و این امر باعث شد که آن‌ها هنگامی که اعمالشان از لحاظ عینی تقصیر محسوب می‌شود، شخصاً مسئول باشند. در مورد مسئولیت محض والدین در قبال اعمال زیان‌بار فرزندان، حتی این شرط هم ضروری به نظر نمی‌رسد و بر طبق آرای اخیر دادگاه‌های فرانسه، والدین حتی بدون ملاحظه‌ی تحقق یک عمل نامشروع و تخلف‌آمیز از سوی فرزند، مسئول قلمداد می‌شوند و دیگر لازم نیست ثابت شود عمل محجور نوعاً نامشروع بوده است؛ بنابر این زیان دیده می‌تواند دعوا را چه علیه خود فرزند (به موجب ماده ۱۳۸۲ ق. م. فرانسه) و چه علیه والدین (به موجب ماده ۱۳۸۴ ق. م. فرانسه) اقامه کند و هر دو دعوا کاملاً مستقل از یکدیگر خواهد بود.^۲

نتیجه آن که در کشورهایی که مسئولیت بر مبنای انصاف اعمال می‌شود؛ مانند استرالیا، آلمان و ایتالیا، بر این اساس که مسئولیت صغیر غیرممیز یک مسئولیت فرعی است، امکان رجوع والدین به وی نیز منتفی است؛ چراکه اگر این امکان وجود داشته باشد، فایده‌ی فرعی بودن مسئولیت را از بین می‌برد. در سایر کشورها - به جز فرانسه - کودکان غیرممیز مسئول شناخته نمی‌شوند و در نتیجه هیچ امکانی در رجوع به آن‌ها باقی نمی‌ماند، برعکس در مورد صغار ممیز اکثر کشورها، مطابق با قواعد عمومی تضامن رجوع والدین به صغیر را مجاز می‌دانند. در کشور فرانسه، به دلیل

^۱. Basil, op. cit., p. 710.

^۲. European centre of Tort, op. cit., p. 454, 455.

پذیرش مسئولیت شخصی برای صغیر غیرممیز، امکان رجوع والدین هم به صغیر ممیز وجود دارد و هم به صغیر غیرممیز و در دادگاه‌های این کشور پرونده‌هایی وجود دارد که والدین برای جبران خسارتی که به زیان دیده پرداخته‌اند، علیه فرزند غیرممیز خود اقامه دعوا کرده‌اند.^۱

در اکثر ایالت‌های کانادا، اگرچه مسئولیت والدین در برابر اعمال زیان‌بار فرزندان مبتنی بر فرض تقصیر است و زیان دیده می‌تواند علیه عامل زیان و سرپرست ایشان به عنوان افرادی که مسئولیت تضامنی در برابر زیان دیده دارند اقامه‌ی دعوا کند، اما اگر والدین بتوانند عدم کوتاهی خود را در نظارت و کنترل فرزندشان اثبات نمایند، در این صورت اگر فرزند صغیر ممیز باشد و تقصیری در مفهوم شخصی به وی قابل انتساب باشد، مسئول جبران خسارت است و در غیر این صورت عمل زیان‌بار به آسانی به یک حادثه غیر قابل جبران تبدیل می‌شود.^۲

در حقوق مصر مسئولیت سرپرست نسبت به اعمال صغیر غیرممیز، یک مسئولیت اصلی است و اساس آن را فرض تقصیر نسبت به مسئول تشکیل می‌دهد، برخلاف مسئولیت سرپرست نسبت به اعمال صغیر ممیز که یک مسئولیت تبعی است. نتیجه آن که مسئولیت سرپرست، با مسئولیت فرد تحت مراقبت که فعل تخلف‌آمیز را مرتکب شده است، قابل جمع است و زیان دیده می‌تواند به هر کدام از آن‌ها رجوع کرده و تمام خسارت را از او دریافت نماید. در نهایت چنانچه مرتکب تقصیر صغیر ممیزی باشد و زیان دیده برای جبران خسارت به سرپرست وی مراجعه نموده باشد، سرپرست نیز می‌تواند به صغیر رجوع کند، اما اگر صغیر غیرممیز باشد سرپرست هیچ‌گونه حقی در مراجعه به وی ندارد؛ زیرا فرد فاقد تمیز هیچ‌گونه تقصیری به مفهوم شخصی مرتکب نشده است و این سرپرست است که مسئول اصلی شناخته می‌شود. بنابر این ماده ۱۷۵ قانون مدنی مصر که مقرر داشته است: «کسی که در قبال عمل غیرمسئول است می‌تواند در حدودی که آن غیر، مسئول جبران خسارت است به او رجوع کند»، راجع به حق رجوع سرپرست به صغیر ممیز است که خود دارای مسئولیت شخصی است.^۳

در حقوق ایران بنابر نظر اکثر حقوق دانان کلمه‌ی «صغیر» اطلاق دارد و هم شامل صغیر غیرممیز و هم صغیر ممیز می‌شود. از این رو مسئولیت سرپرستان صغیر نسبت به اعمال زیان‌آور

^۱ Neyers, op. cit., pp. 77,78; Tunc, op. cit., p. 7.

^۲ p. op. cit., Tunc V :778-p. , op. cit. , Pitel, Chamberlain , Neyers.43

^۳ سنه‌وری پیشین، ص ۱۰۴-۱۰۳.

آن‌ها صرف‌نظر از قابلیت یا عدم قابلیت انتساب مسئولیت به صغیر، در صورت اثبات تقصیر در نگاه‌داری و مواظبت، برقرار است.^۱

در حقوق ایران به موجب ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی که برگرفته از فقه اسلامی است، مقرر شده است: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیررشید، باعث ضرر شود، ضامن است». در حقوق اسلام محجور بودن مانع ضمان نیست، زیرا ضمان حکم وضعی است، نه تکلیفی؛ پس اختصاص به اشخاص بالغ و عاقل ندارد. در فقه امامیه سه دلیل در این خصوص آورده شده است: اول این‌که احکام شرعی بر دو قسم است: الف) احکام تکلیفی که در آن‌ها وجود شرایط عامه‌ی تکلیف، یعنی بلوغ و عقل شرط است، مانند احکام حرمت و وجوب. ب) احکام وضعی که شامل همگان می‌شود، مانند ضمان، لذا در صورت حدوث موجبات ضمان، مانند اتلاف، محجور نیز ضامن است. دلیل دیگر این‌که حجر صغیر و مجنون در تصرفات فعلیه مؤثر نیست و تأثیر آن در اسباب و اعمال قولیه و قصدیه؛ یعنی عقود و ایقاعات و آن‌چه نیاز به بیان صیغه دارد و در آن‌ها قصد و رضا شرط است، منحصر می‌باشد. بنابر این چون در امور فعلیه مانند اضرار به شخص ثالث، حکم حجر جاری نیست، ورود زیان از سوی محجور ضمان‌آور است. دلیل سوم این‌که عموم ادله «من اتلف شیئاً من مال او نفس، ضمنه» شامل صغیر و مجنون هم می‌شود و اطلاق آن دلیل بر عدم شرطیت بلوغ و عقل در ضمان ناشی از اتلاف است.^۲ نکته مهمی که در بحث مسئولیت صغار و مجانین در حقوق اسلام وجود دارد، این است که آیا برخلاف اصل مسئولیت شخصی که مورد پذیرش حقوق اسلام است، واگذاری مسئولیت حاصل از اعمال زیان‌آور کودکان و مجانین به سرپرست ایشان دارای توجیه فقهی است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت اگرچه به عقیده فقیهان چنان‌چه حضانت را حکم بدانیم، این حکم متضمن حکم تکلیفی محض بوده و در خصوص آن حکم وضعی وارد نشده است، اما پیش‌بینی حکم وضعی برای آن، برای این‌که

^۱ صفایی، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، پیشین، ص ۲۴۲؛ کاتوزیان، ضمان قهری، پیشین، ص ۵۶۱؛ درودیان، پیشین، ص ۳۶.

^۲ علامه حلی، تذکره الفقها، جلد چهاردهم، قم: نشر مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، بی‌تا، ص ۲۲۹؛ حسینی عاملی، سیدجواد محمد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، جلد شانزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ.ق، ص ۱۴۶؛ عبدالفتاح مراغی، العناوین الفقهیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.ق، صص ۶۶۱-۶۶۰.

احکام وضعی محدود به موارد منصوص و خاص نبوده و به اعتبار مفهوم خود منشأ قراردادی دارند، عاری از وجه نیست. لذا یکی از مواردی که به عنوان ضمانت اجرای حضانت قابل بررسی است، عدم مراقبت از کودکان توسط والدین است که جزو وظایف آنان به‌شمار می‌آید؛ بنابراین این کسانی که حضانت کودک را به عهده دارند، در قبال اعمال زیان‌بار افراد تحت حضانت خود، با رعایت قاعده‌ی تسبیب و سببیت اقوی از مباشر، مسئول تلقی می‌شوند.^۱

در حقوق ما نیز تقصیر دارای مفهومی عینی است و به معنای تجاوز از رفتاری متعارف است و به همین جهت صغیر غیرممیز و مجنون نیز می‌توانند به این اعتبار مقصر و مسئول باشند. لذا به موجب ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی و ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی زیان‌دیده می‌تواند هم علیه خود صغیر و هم علیه سرپرست صغیر که در انجام وظیفه‌ی سرپرستی و نظارت کوتاهی کرده است، اقامه‌ی دعوا کند. البته در صورتی که سرپرست، نماینده‌ی قانونی صغیر مانند ولی، وصی و قیم باشد، طرح دعوا به طرفیت انحصاری سرپرست انجام می‌گیرد، لیکن چنان‌چه سرپرست مسئولیت قراردادی در نگاه‌داری صغیر داشته باشد، طرح دعوا به طرفیت نگه‌دارنده و محجور انجام خواهد شد. در این فرض هم نماینده قانونی محجور، ولایتاً، قیمومتاً و یا وصایتاً به جانشینی محجور طرف دعوا قرار خواهد گرفت.^۲

اقامه‌ی دعوا علیه هر دو مقصر، تنها این نفع را به دنبال خواهد داشت که در صورت عدم استطاعت مالی سرپرست در جبران کامل خسارت، زیان‌دیده بر اساس قاعده‌ی مبتنی بر انصاف که این چنین در قسمت اخیر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مقرر شده است «در صورتی که سرپرست استطاعت جبران تمام و یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد...» از مال محجور خسارت را مطالبه نماید.

این قسمت از ماده در واقع یک نوع مسئولیت تضامنی برقرار کرده است؛ زیرا در برابر زیان‌دیده دو نفر مسئول معرفی شده‌اند: یکی سرپرست محجور و دیگری خود محجور. نهایت امر آن که به نظر عده‌ای از حقوق‌دانان، مسئولیت محجور در این‌جا به نحو معلق یا مشروط است، که اگر شخص دیگری به عنوان مسئول موجود نباشد یا در صورت وجود چنین شخصی، جبران زیان

^۱. سامت، محمدعلی، مسئولیت مدنی صغیر و مجنون در حقوق موضوعه و اسلام، پایان‌نامه دکتری تخصصی به راهنمایی سیدحسین صفایی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶.

^۲. همان، ص ۲۰۵.

توسط او به علت عدم استطاعت مالی ممکن نباشد و شخص محجور نیز از توانایی مالی خوبی برخوردار باشد، برای رعایت حال زیان دیده، زیان‌های وارده را باید صغیر یا مجنون تلف کننده، جبران نماید. حال آن که مسئولیت تضامنی صغیر یا مجنون به همراه سرپرستان آنان در حقوق فرانسه و سوئیس به طور منجز است و در هر صورت زیان دیده می‌تواند برای جبران کل خسارت به خود صغیر یا مجنون یا به سرپرستان آنان رجوع نماید.^۱

پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا جبران زیان در فرض عسرت والدین و دیگر سرپرستان مقصر، از سوی محجور اصالتاً است یا به قائم‌مقامی از سرپرست؟ و آیا برعکس آن نیز صادق است؟ یعنی آیا در فرض جبران خسارت از سوی سرپرست مقصر امکان مراجعه او به صغیر که در حقوق ما در هر حال از لحاظ نوعی مقصر و مسئول شناخته می‌شود، وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت؛ اگر مسئولیت سرپرستان در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی یک مسئولیت ناشی از فعل غیر بدین معنا بود که صرفاً احراز تقصیر نوعی محجور برای مسئول شناختن سرپرستان وی کافی باشد، جبران خسارت از سوی صغیر ولو صغیر غیرممیز که مرتکب تقصیر نوعی شده است، مسئولیتی اصلی است که در صورت عدم استطاعت مالی سرپرست محقق می‌شود و دیگر امکان رجوع صغیر به سرپرست پس از ملء شدن وی وجود ندارد، و بالعکس در صورت جبران زیان از سوی سرپرست، امکان رجوع وی به صغیر، اعم از صغیر ممیز و صغیر غیرممیز وجود دارد. حال آن که مسئولیت تضامنی محجور به همراه سرپرست مسئولیتی معلق یا مشروط است که خلاف اصل می‌باشد، زیرا در نظام حقوق اسلامی و قانون مدنی اصولاً مسئولیت جبران زیانی که یک نفر به دیگری وارد کرده است فقط به عهده‌ی خود اوست، هر چند واردکننده‌ی زیان محجور باشد؛ اما اگر واردکننده زیان صغیر غیرممیز و مجنون باشد و شخص دیگری مثل والدین او مسبب ایراد خسارت باشند، به طوری که سبب عرفاً اقوی از مباشر تلقی شود، یا در مورد صغیر ممیز که مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی یک اماره‌ی قانونی بر اقوی بودن تقصیر والدین در مواظبت و نگاه‌داری صغیر نسبت به تقصیر خود فرزند وجود دارد، در این صورت مسئولیت منحصرأ مطابق ماده ۳۳۲ قانون مدنی به عهده مسبب یعنی سرپرست مقصر خواهد بود. در نتیجه پس از جبران خسارت از سوی سرپرست صغیر، امکان رجوع وی به صغیر، اعم از صغیر

^۱ صفایی، مسئولیت مدنی، پیشین، ص ۲۹۹؛ کاتوزیان، پیشین، ص ۴۰۰؛ قاسم‌زاده، پیشین، ص ۱۶۳.

ممیز و صغیر غیر ممیز، وجود ندارد و نیز در فرض عسرت و تنگدستی سرپرست مقصر که به حکم انصاف جبران خسارت از ناحیه خود صغیر صورت می‌گیرد، ایشان به قائم‌مقامی از سرپرست جبران خسارت می‌نمایند و پس از ملیء شدن سرپرست امکان رجوع صغیر به او وجود دارد. در هر حال جبران زیان طبق بند آخر ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی نباید موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده باشد و چون این قسمت مبتنی بر قواعد انصاف است، دادگاه در صدور حکم به جبران خسارت باید تمامی شرایط طرف‌های دعوا را در نظر بگیرد.

۳- مبنا، شرایط و حدود مسئولیت مدنی دیگر سرپرستان صغیر در قبال اعمال زیان‌آور کودکان

اگرچه پدر و مادر در راستای انجام تکلیف حضانت خود، در صورت ارتکاب تقصیر، مسئولین اصلی اعمال زیان‌بار صغار هستند، با وجود این والدین ناچارند برای تعلیم و تربیت صحیح فرزندشان، وی را به مدرسه، مربی و گاه استادکار بسپارند. در قراردادی که بین والدین و این اشخاص منعقد می‌شود، سرپرستان قراردادی نیز کم‌وبیش مسئول اعمال زیان‌بار کودکان می‌شوند. در ادامه این نوشتار، پس از بررسی مبنا و حدود مسئولیت سرپرستان قراردادی کودکان، به تفکیکی که در حقوق برخی کشورها بین مسئولین حادثه‌ی زیان‌بار در مدارس خصوصی و مسئولین حادثه در مدارس عمومی قائل شده‌اند و امکان رجوع مسئولین متعدد حادثه به یکدیگر، می‌پردازیم.

۱-۳- مبنا، مسئولیت مدنی سرپرستان قراردادی کودکان

در حقوق برخی کشورها این امر پیش‌بینی شده است که وظیفه‌ی خاص والدین در نظارت و سرپرستی می‌تواند از طریق قرارداد به اشخاص دیگری منتقل شود. این امر در قانون مدنی آلمان و پرتغال، یونان و ژاپن و دیگر کشورهایی که قانون مدنی آنها تحت تأثیر حقوق آلمان به تصویب رسیده، پیش‌بینی شده است. دکترین غالب حقوقی و رویه‌ی قضایی نیز این امکان را در استرالیا و ایتالیا پذیرفته‌اند. در این کشورها گاه بر این موضوع تأکید می‌شود که برای برقراری

وظیفه‌ی نظارت، باید قراردادی که از لحاظ قانونی الزام‌آور است، تنظیم شود و رضایت صرف که به حدّ یک تعهد الزام‌آور نمی‌رسد، به تنهایی کافی نیست^۱.

در کشورهایی که انتقال وظیفه‌ی والدین برای نظارت بر فرزندان از طریق قرارداد امکان‌پذیر است، این امر بدین معنا نخواهد بود که والدین پس از این انتقال، از مسئولیت در قبال اعمال فرزندانشان به کلی معاف شوند، بلکه برخی نظام‌های حقوقی مقرر می‌دارند این وظیفه‌ی نظارتی به یک وظیفه‌ی فرعی برای انتخاب صحیح طرف قرارداد، اراده‌ی تعلیمات لازم، کنترل و آگاه شدن از عملکرد صغیر تقلیل می‌یابد؛ در حالی که نظام‌های دیگر مقرر می‌دارند وظیفه‌ای که هنوز بر عهده‌ی والدین باقی است، وظیفه‌ی تربیت فرزند یا وظیفه‌ی انتخاب صحیح شخصی است که نظارت بر کودک دارد. در نتیجه این وظیفه‌ی باقی‌مانده همچنان می‌تواند به مسئولیت والدین در قبال اعمال فرزندانشان تحقق بخشد. به عنوان مثال در کشورهای استرالیا، بلژیک و آلمان مقرر شده است اگر فرزند به نوان‌خانه، مدرسه‌ی شبانه‌روزی یا دیگر مؤسسات سپرده شود، این مؤسسات وظیفه‌ی نظارت بر فرزند را دارند و وظیفه‌ی اصلی والدین برای نظارت به یک وظیفه‌ی کاملاً محدود سازمان‌دهی تغییر پیدا می‌کند. در ایتالیا، پرتغال و روسیه - در خصوص فرزندان زیر ۱۴ سال در مورد اخیر - وظیفه‌ی نظارت به مؤسسه منتقل می‌شود، در حالی که وظیفه‌ی تربیت صحیح فرزند برای والدین همچنان باقی می‌ماند. در هلند فرض تقصیر والدین در مورد اعمال فرزندان ۱۴ و ۱۵ ساله‌شان، اگر در هنگامی ارتکاب یافته باشد که وی تحت نظارت واقعی والدینش نبوده، به آسانی قابل رد است. اما در خصوص فرزندان زیر ۱۴ سال، که مسئولیت والدین همچون کشور فرانسه، یک مسئولیت محض است، والدین پس از جبران خسارت می‌توانند بر اساس قواعد عمومی مسئولیت مبتنی بر تقصیر به معلم مقصر رجوع نمایند. در کشورهای دیگری مانند جمهوری چک و اسپانیا ملاحظه می‌شود که وظیفه‌ی نظارت به مؤسسه‌ی آموزشی یا شبانه‌روزی یا محل کارآموزی انتقال می‌یابد و در نتیجه والدین به خاطر خسارت وارده از سوی فرزندشان در مدرسه یا محل کار، مسئول شناخته نمی‌شوند. با وجود اختلاف‌های جزئی، در رویه‌ی عملی، همین نتیجه در انگلستان، ولز و سوئد نیز به دست می‌آید^۲.

^۱. Tunc, op. cit., p. 11.

^۲. Europe Centre of Tort & Insurance Law, op. cit., pp. 453-458.

کشور فرانسه تنها استثنائی است که در آن وظیفه‌ی نظارتی والدین در این موارد هم‌چنان باقی می‌ماند و تنها هنگامی که کودک به طور مداوم در اختیار اشخاص ثالث است، والدین در این وضعیت دیگر مسئولیتی ندارند^۱.

در حقوق ایران مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی، دیگر سرپرستان صغیر ممکن است به موجب قراردادی که بین اولیای صغیر با شخص دیگری منعقد می‌شود، مشخص شوند. موضوع این قرارداد ممکن است نگاه‌داری و مراقبت از صغیر باشد، مانند قرارداد با پرستار خصوصی یا مهد کودک، یا این‌که موضوع اصلی آن امر دیگری از قبیل تعلیم و تربیت، آموزش حرفه یا هنر خاصی به صغیر باشد که در این صورت در مدت زمانی که طفل نزد ایشان است، مسئولیت نگاه‌داری و مواظبت از طفل جنبه‌ی فرعی دارد. در هر صورت چنان‌چه سرپرست قراردادی در مواظبت و نگاه‌داری از کودک کوتاهی کند، مسئول خسارتی است که در اثر نقض تعهد مراقبت از سوی طفل به دیگران وارد می‌شود.

حال اگر صغیر هنگام حضور در مدرسه یا محل کارآموزی مرتکب فعل زیان‌آوری شود و زیان دیده بتواند تقصیر معلم یا استادکار را مبنی بر عدم نظارت یا کنترل کافی اعمال صغیر، یا مدیر مدرسه یا کودکستان را در عدم رعایت اصول فنی موسسه، مانند به‌کار گماردن اشخاصی که استعداد روانی یا اخلاقی لازم برای نگاه‌داری یا مواظبت از صغار را ندارند، اثبات نماید و همچنین اگر بتواند تقصیر مشترک آن‌ها و والدین را به خاطر عدم تربیت صحیح فرزند ثابت نماید، می‌تواند علیه افراد مقصر اقامه‌ی دعوا نماید و چون در حقوق ما مسئولیت تضامنی خلاف اصل است، در این فرض مسئولیت سرپرستان مقصر یک مسئولیت مشترک است.

۲-۳- شرایط و حدود مسئولیت مدنی مسئولان مدارس

در همه‌ی کشورها معلمان مدارس وظیفه‌ی نظارت و سرپرستی شاگردان را به عهده دارند که معمولاً از زمان کلاس‌ها فراتر رفته و شامل زنگ تفریح و فعالیت‌های بیرون مدرسه که توسط مؤسسه‌ی آموزشی ترتیب داده شده نیز می‌شود. اصول حقوقی مربوط به وظیفه‌ی مدارس در نظارت بر شاگردانش در استرالیا و پرتغال موضوع حقوق عمومی است، درحالی که در انگلستان،

^۱ ژوردن، اصول مسئولیت مدنی، پیشین، ص ۱۶۸.

ولز و هلند، این وظیفه تحت حاکمیت اصول معمولی حقوق مسئولیت مدنی (حقوق خصوصی) می‌باشد. در کشورهای دیگر وظیفه‌ی نظارت بسته به این که مدرسه یک مؤسسه عمومی باشد یا یک مؤسسه خصوصی، موضوع حقوق عمومی یا خصوصی است و بنابر این از رژیم‌های متفاوتی تبعیت می‌کند؛ مثلاً در فرانسه با مدارس خصوصی مانند مدارس عمومی برخورد می‌شود، زیرا آن‌ها از طریق انعقاد قراردادهای همکاری با دولت، تأسیس شده‌اند.^۱

برای حوادثی که توسط دانش‌آموزان مدارس عمومی روی می‌دهد، مسئولیت به عهده‌ی دولت یا ارگان عمومی است که مدارس به آن وابسته‌اند (مانند وزارت آموزش و پرورش). ارگان عمومی که مسئول اعمال معلمان است یک مسئولیت ناشی از فعل غیر دارد که بر اساس آن، ارتکاب تقصیر از سوی معلم باید احراز شود؛ اما در برخی کشورها مانند آلمان، ارگان عمومی ممکن است صرف‌نظر از تقصیر معلم، به خاطر نقص سازمان و تشکیلات اداری مسئول شناخته شود. بنابر این، در این موارد لازم نیست فقدان نظارت شخص معلم اثبات شود. در استرالیا، تأکید شده است که «تقصیر» معلم باید به عنوان یک بی‌احتیاطی نوعی در نظر گرفته شود و از این‌رو ارگان عمومی حتی اگر معلم به خاطر اختلال مشاعر تقصیر شخصی نداشته باشد، همچنان مسئول است. در کشورهای بلژیک، فرانسه، و پرتغال همیشه امکان اقامه‌ی دعوا علیه ارگان عمومی و معلم مقصر وجود دارد؛ برعکس در دیگر کشورها هنگامی که ارگان عمومی به خاطر عمل معلم مقصر مسئول است، زیان‌دیده تنها می‌تواند علیه ارگان عمومی اقامه‌ی دعوا نماید. در این فرض همه‌ی کشورها حق رجوع ارگان عمومی علیه معلم را می‌پذیرند. البته در حالی که جمهوری چک، انگلستان و ولز و فرانسه این رجوع را به هر صورت می‌پذیرند، اکثر کشورهای اروپایی حق رجوع علیه معلم را به موردی محدود می‌کنند که وی عمداً یا با تقصیر سنگین عمل کرده باشد.^۲ در مورد خسارتی که توسط شاگردان یک مؤسسه‌ی خصوصی ایجاد می‌شود، بیشتر نظام‌های حقوقی، مسئولیت مؤسسه را به خاطر نقض وظیفه‌ی نظارتی معلم می‌پذیرند. در برخی از این کشورها، مبنای حقوقی این مسئولیت، در قاعده‌ی عمومی که مسئولیت کارفرمایان را در قبال اعمال مستخدمانشان برقرار می‌کند، یافت می‌شود. خود معلم نیز ممکن است به خاطر قصور در انجام وظیفه‌ی مراقبت متعارف در سرپرستی دانش‌آموز، مسئول شناخته شود. در اسپانیا یک

^۱. Tunc, op. cit., pp. 24-25.

^۲. European Centre of Tort & Insurance Law, op. cit., p. 461.

مقررده خاص، مسئولیت مدارس را در قبال اعمال معلمانشان با کنار گذاشتن مسئولیت شخص معلم و انتقال این مسئولیت به اشخاص یا مؤسساتی که صاحب امتیاز مؤسسه‌ی آموزشی هستند، برقرار می‌کند.

در روسیه نیز مسئولیت بر مؤسسات خصوصی تحمیل می‌شود، نه معلمان یا مستخدمانی که واقعاً کنترل فرزندان را در اختیار دارند. در سوئد اگرچه ممکن است معلم به طور تضامنی به همراه مدرسه‌ی خصوصی مسئول شناخته شود، اما معمولاً زیان‌دیده باید در اولین وهله علیه کارفرمایی که مسئولیت ناشی از فعل غیر را دارد، اقامه‌ی دعوا نماید. البته در همه‌ی کشورها حق رجوع مؤسسه‌ی آموزشی به معلم را می‌پذیرند، اما باید بین کشورهایی که حق رجوع مدرسه علیه‌ی معلم را در هر صورت می‌پذیرند و آن کشورهایی که تنها در موارد تقصیر عمدی یا تقصیر سنگین معلم چنین حق رجوعی قائل می‌شوند تمایز گذاشت.^۱

در حقوق مصر نیز مراقبت از صغیر تا زمانی که وی در کلاس است، به عهده‌ی معلم کلاس می‌باشد و بعد از آن تا وقتی که در مدرسه است، به عهده‌ی مدیر مدرسه خواهد بود. البته اگر عمل زیان‌بار شاگرد در مدرسه ناشی از سوء‌تربیت پدر باشد، پدر نیز مسئول شناخته می‌شود. در صورت دولتی بودن مدرسه، این دولت است که از باب مسئولیت متبوع نسبت به تابع خود مسئول عمل معلم یا مدیر مدرسه است. هنگامی که کودک برای انجام کار به شخص دیگری سپرده شود، اجتماع مسئولیت والدین برای مراقبت از فرزند و تربیت صحیح وی با مسئولیت متبوع نسبت به تابع امکان‌پذیر است؛ بنابر این اگر فرزندی هنگام انجام کار به شخص خسارت وارد کند، در کنار مسئولیت پدر، مسئولیت مخدوم نیز قرار دارد و زیان‌دیده می‌تواند برای دریافت تمام خسارت به هر یک از سرپرست و مخدوم رجوع کند؛ آن‌گاه کسی که تمام خسارت را داده است می‌تواند برای دریافت نصف آن به دیگری مراجعه نماید.^۲

در حقوق ایران چنانچه اطفال صغیر در اوقاتی که در مدارس تحت تعلیم و تربیت هستند، به علت عدم توجه کافی مسئولان مدرسه در نگاه‌داری ایشان، مرتکب ایراد خسارت شوند، زیان‌دیده می‌تواند طبق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی با اثبات تقصیر معلم یا سایر مسئولین و کارکنان مدرسه که وظیفه‌ی نظارت بر اعمال و رفتار شاگردان را به عهده دارند، خسارت وارده را از معلم

^۱ Ibid.

^۲ سنه‌وری، پیشین، صص ۱۰۰۳-۱۰۰۴.

یا سایر کارکنان که مسئول جبران خسارت هستند مطالبه نماید. در مورد جبران خسارت از سوی آموزش و پرورش یا دولت با توجه به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی تنها در صورتی که زیان ناشی از نقص وسایل ادارات و مؤسسات دولتی باشد، مسئولیت مقرر می‌شود. بنابر این علی‌الاصول زیان دیده باید علیه شخص حقیقی که تعهد قانونی یا قراردادی به مواظبت و نگاهداری شاگردان در طول زمان حضور آنان در مدرسه دارند، اقامه‌ی دعوا نماید. در اکثر کشورهایی که خسارت ناشی از اعمال زیان‌بار دانش‌آموزان تحت پوشش بیمه است، شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت می‌تواند به شخص خاطی که مسئول ضرر بوده، صرف‌نظر از این که خسارت در یک مؤسسه‌ی عمومی محقق شده باشد یا در یک مدرسه‌ی خصوصی، رجوع نماید.

مسأله دیگر آن است که در کشور فرانسه، از سال ۱۹۸۴ فرزند صرف‌نظر از این که صغیر ممیز است یا صغیر غیرممیز، همواره به همراه والدینش (که مستثنا نخواهند شد) و مدرسه به طور تضامنی مسئول می‌باشد. از آنجایی که در فرانسه، اکثر مدارس با دولت قرارداد همکاری منعقد می‌کنند، تمایز بین مدارس خصوصی و عمومی در آنجا دیده نمی‌شود و در بیشتر موارد، دولت نیز مسئول شناخته می‌شود.^۱ اما در سایر کشورهای اروپایی، اگر فرزند صغیر غیرممیز باشد، مسئول نخواهد بود و تنها در کشورهای استرالیا و آلمان دعوای زیان دیده علیه خود صغیر غیرممیز بر اساس قواعد انصاف (از جمله ملائمت صغیر و تنگدستی معلم)، یک دعوای فرعی است. اما اگر صغیر ممیز باشد به همراه معلم یا مؤسسه‌ی آموزشی (در مورد مدارس خصوصی) یا به همراه دولت (در مورد مدارس عمومی) مسئولیت تضامنی خواهد داشت. در بیشتر کشورهای اروپایی به جز اسپانیا، والدین نیز ممکن است همراه فرزند مسئولیت تضامنی داشته باشند. در آن کشورهایی که مسئولیت بر اساس قواعد انصاف مطرح می‌شود، معلم نمی‌تواند به صغیر غیرممیز رجوع کند؛ چراکه وی مسئولیت شخصی ندارد و مسئولیت صغیر تنها یک مسئولیت فرعی است و دعوای رجوع علیه صغیر غیرممیز، برخلاف قواعد فرعی بودن مسئولیت است.^۲

در حقوق ایران، همان‌طور که اشاره شد، امکان رجوع معلم به دانش‌آموزی که صغیر غیرممیز است، وجود ندارد؛ زیرا بر مبنای قاعده‌ی سبب اقوی از مباشر، خسارت عرفاً ناشی از تقصیر خود

^۱ Ibid., p. 464.

^۲ Ibid.

معلم است و وی مسئول اصلی جبران خسارت است. همچنین بر اساس اماره‌ی قانونی که توسط ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی برقرار شده است، امکان رجوع معلم به صغیر ممیز هم نیست و قانون سببی را که در نگاه‌داری و مواظبت از صغیر ممیز کوتاهی کرده اقوی از مباشر فرض نموده است.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق ملاحظه شد که در اکثر کشورها مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان صغیر در قبال اعمال زیان‌بار ایشان، مبتنی بر فرض تقصیر است. معمولاً الزام به اثبات تقصیر عامل زیان برای شخص زیان‌دیده بار سنگینی است و غالباً زیان‌دیده در انجام این تعهد با شکست مواجه می‌شود و در نتیجه زبانی که بر او وارد شده جبران نشده، باقی می‌ماند. به همین دلیل در بعضی موارد قانون زیان‌دیده را از الزام به این تکلیف معاف می‌کند و این معافیت از طریق ایجاد اماره‌ی تقصیر علیه بعضی اشخاص معین است. مسئولیت سرپرستان صغیر نیز از جمله مسئولیت‌های مبتنی بر این اماره‌ی تقصیر است.

اما در حقوق ایران آنچه از ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی بر می‌آید، چیزی جز مسئولیت مبتنی بر تقصیر لازم‌الاثبات والدین صغار و دیگر سرپرستان قانونی یا قراردادی ایشان نیست؛ لکن عدم تسهیل شرط اثبات تقصیر ایشان به ضرر قربانیان اعمال زیان‌بار محجورین است؛ چراکه در اکثر موارد، صغار و مجانین توان مالی خوبی برای جبران خسارت ندارند؛ در حالی که یکی از اهداف مقنن در تصویب ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی تأمین و تضمین جبران خسارت وارد بر زیان‌دیدگان از اعمال محجورین بوده است. در این ماده مقرر شده است اگر سرپرست مقصر باشد، از محل اموال خودش ملزم به جبران خسارت است و در صورت ناتوانی در پرداخت، خسارت از مال صغیر که مباشر ورود زیان است جبران می‌شود؛ ولی اگر سرپرست مقصر نباشد، به موجب ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی، صغیر از مال خودش باید خسارت را جبران نماید. لیکن چنانچه این ماده توسط مقنن اصلاح شود به گونه‌ای که مبتنی بر فرض تقصیر سرپرستان محجورین باشد، با ایراد هر خسارتی از سوی صغیر یا مجنون، زیان‌دیده می‌تواند بدون نیاز به اثبات تقصیر سرپرست علیه وی اقامه‌ی دعوا نماید. مبنای این اماره‌ی تقصیر آن است که سرپرست صغیر از لحاظ قانونی یا قراردادی عهده‌دار مراقبت یا نگاه‌داری ایشان است و اختیار و

قدرت نظارت و کنترل ایشان را دارد، در نتیجه به موازات این تکلیف و به خصوص برای تضمین انجام صحیح آن، باید در مقابل، مسئول پرداخت خساراتی که از ناحیه اشخاص تحت مراقبت ایشان وارد می‌شود، باشد.

بر همین اساس، تفکیک بین صغیر ممیز و صغیر غیرممیز، از لحاظ اصلی یا فرعی بودن مسئولیت ایشان در جبران خسارت که در حقوق بسیاری از کشورها مطرح شده است، در حقوق ما قابل طرح نیست؛ زیرا مطابق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مسئولیت سرپرستان صغار که در انجام وظیفه‌ی نظارت و نگاه‌داری صغیر مرتکب تقصیر شده اند، یک مسئولیت شخصی و اصلی است و امکان رجوع آن‌ها به صغیر، اعم از صغیر ممیز و غیرممیز وجود ندارد. حال آن‌که در دیگر کشورها مسئولیت سرپرست برای جبران خسارتی که از سوی صغیر ممیز محقق شده است، یک مسئولیت فرعی است و پس از جبران ضرر می‌تواند به صغیر ممیز رجوع نماید.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، جلد اول، تهران: نشر اسلامیه، چاپ بیستم، ۱۳۷۸.
۲. امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد اول، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۳. حسین‌آبادی، امیر، «بررسی و تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۲۰، ۱۳۸۵.
۴. داوید، رنه، اسپینوزی، کامی ژوفره، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه و تلخیص: سیدحسین صفایی، تهران: نشر دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۵. درودیان، حسنعلی، «مسئولیت ناشی از فعل اشخاصی که تحت مراقبت و مواظبت دیگری هستند»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۶، ۱۳۷۶.
۶. ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۷. ژوردن، پاتریس، تحلیل رویه‌ی قضایی در زمینه‌ی مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق: مجید ادیب، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۸. سامت، محمدعلی، مسئولیت مدنی صغیر و مجنون در حقوق موضوعه و اسلام، پایان‌نامه دکتری تخصصی به راهنمایی سیدحسین صفایی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۹. سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، نظریه التزام بوجه العام، جلد اول، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۹۵۲ م. - ۱۳۶۹ ه.
۱۰. صفایی، سیدحسین، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۱. صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد) تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۲. قاسم‌زاده، سیدمرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، تهران: نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم، ۱۳۸۴.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری) دوره دوجلدی؛ جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

۱۵. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی خانواده، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۱۶. لورراسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، تهران: نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵.

فقهی

۱۷. حسینی عاملی، سیدجواد محمد، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامه، جلد ۱۸، قم: دفتر

انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ ق.

۱۸. حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی، العناوین الفقهیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول،

۱۴۱۷ هـ ق.

۱۹. علامه حلی، تذکره الفقها، جلد ۱۴، قم، نشر مؤسسه آل البیت، چاپ اول، بی تا.

ب) منابع انگلیسی

20. Andrews Rhonda V. Magee, Article: "The Justice of Parental Accountability", Temple Law Review, Vol .75, No. 3, Fall 2002, at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1096557. 23. 22.
21. Giliker, Paula, Vicarious Liability in Tort, A Comparative Perspective, Cambridge University Press, First published, 2010.
22. Glenn Beh Hazelt, Article: "Tort Liability for Intentional Acts of Family Members", Hein online, Vol. 68:1, at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=271443, 2000-2001.
23. Heuston R.F.V., Salmond on the Law of Tort London: Sweet & Maxwell Limited, Oxford & Portland, Oregon, 1961.
24. Markesinis, Basils S., Unbrath, Hannes, The German Law of Torts, A Comparative Treatise, Forth edition, Hart Publishing.
25. Neyers Jasson W. Chamberlain Erika Pitel Stephen GA., Emerging Issues in Tort Law, Hart Publishing, Oxford & Portland, Oregon, 2007.
26. Street Harry, Law of Torts, Fifth edition, London: Butterworths, 1972.
27. The European Centre of Tort & Insurance Law, Tort and Insurance Law: "Children in Tort Law", Springer-Verlag/Wien, printed in Germany, 2006.
28. Tunc, Andre, International Encyclopedia of Comparative Law, V.XI.torts.Chpter 3, by Jean -Pierre le Gall, London, 1983.